



غلامرضا ظریفیان در گفت‌وگو با «شرق»:

# فعالیت دانشگاه، تهدید نیست

حسین سخندان: توقع دانشگاهیان از دولت دوازدهم، بهبود هرچه بیشتر فضای دانشگاه چه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و چه در بخش علمی است. بهبود شرایط دانشگاه مسئله‌ای است که در چهار سال گذشته به آن بیشتر پرداخته شد. آن هم در مقایسه با اتفاقی که در هشت سال دولت‌های نهم و دهم در دانشگاه‌های کشور افتاد و باعث نارضایتی دانشگاهیان از استادان و دانشجویان شد. هرچند دانشگاه‌ها امروز فضایی متفاوت‌تر از آن هشت سال را تجربه می‌کنند اما هنوز اثراتی از آن دوران باقی مانده که رفع آن زمان و فرصت بیشتری می‌طلبد. شرایط دیروز و امروز دانشگاه‌ها را با غلامرضا ظریفیان استاد تاریخ دانشگاه تهران و فعال سیاسی مرور کردیم که می‌خوانید.

❧ از زمان روی کار آمدن دولت دکتر روحانی، دقیقاً یک دوره چهارساله می‌گذرد. نهاد دانشگاه از بنسټ‌سازان اصلی تحول و اصلاحات در کشور بوده و این از دوم خرداد ۷۶ به این سو، برج‌رتگ و جدی‌تر دیده شده است. چقدر دولت روحانی توانست در این حوزه، درست و بجا عمل کند؟

هر اتفاقی که در دوره گذشته و هشت سال دولت‌های نهم و دهم افتاد، باید با توجه به دوران اصلاحات بررسی شود. در آن دوران عرصه‌های جدی برای خودگردانی دانشگاه‌ها در امور آموزشی، مالی و اداری فراهم شد. مدیریت دانشگاه‌ها از سوی دانشجویان تعیین و مجموعه‌ای از فعالیت‌های گسترده دانشجویی انجام می‌شد، با این نگاه که فعالیت دانشجویی در حوزه‌های مختلف یک فرصت است. وزارت آموزش عالی هم به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر کرده بود و به‌عنوان مسئله مهم در سیاست‌گذاری کلان کشور موردتوجه قرار می‌گرفت. شورای علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شد که سیاست‌گذاری دانشگاه و تحقیقات در آن متمرکز شد. اما متأسفانه در هشت سال دولت آقای احمدی‌نژاد شاهد عبور از دانشگاه بودیم. پیش از این دانشگاه در تدوین برنامه چهارم نقش مهمی داشت و پیوند توسعه علمی و ملی و مباحثی مانند اقتصاد دانش‌بنیان به شکل جدی مطرح شده بود. اما در دولت نهم و دهم دانشگاه از دیدگاه آنان مکان مناسبی برای این نقش نبود و دانشگاه‌ها از پیش‌تاری به تابع‌بودن تغییر کردند. هیئت‌انمها ضعیف شدند و امور دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف مثل گزینش، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اخراج استادان و از سویی گسترش بی‌رویه کمی دانشگاه‌ها شد، در برخورد با فعالیت‌های دانشجویی شاهد استفاده از واژه‌های تلخی مثل ستاره‌دارکردن دانشجویان فعال بودیم. تشکل‌های سیاسی تعطیل شدند و فعالیت‌های صنفی، علمی و کانون‌های فرهنگی به محاق رفتند. اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی منحل و اتحادیه از جریان‌های دیگری تشکیل شد. در واقع دانشگاه از وظیفه ذاتی خودش که طرح مسئله بود، دور ماند. ضمن اینکه شاهد بازنشسته‌کردن و اخراج استادان و از سویی گسترش بی‌رویه کمی دانشگاه‌ها بودیم. تحصیلات تکمیلی به‌ویژه در دوره‌های دکترا بدون اینکه اسناد لازم را داشته باشیم، به شکل نجومی گسترش پیدا کرد و توازن میان واحدهای آموزش عالی مثل فنی- حرفه‌ای و علمی-کار-بردی با دانشگاه‌های دولتی و آزاد به‌هم خورد. حاصل این کار کاهش کیفیت آموزش عالی و فارغ‌التحصیلات و بحران اشتغال افراد تحصیل‌کرده بود. الان در خیابان انقلاب که زمانی محیطی فرهنگی و علمی بود، بر اثر سیاست‌های غلط شاهد تابلوهای فروش پایان‌نامه و مقاله ... هستیم. مسئله دیگر این بود که فضای امن دانشگاه‌ها امنیتی شد. اما این شرایط تغییر کرده است. اولویت‌های دولت دکتر روحانی با توجه به شرایط کشور، مسائل هسته‌ای، تحریم‌ها و تورم بود و طبیعی بود که دانشگاه‌ها در این‌اولویت‌ها نبوده‌اند اما رئیس‌جمهور به عهد خود وفا کرد و کار انتخاب وزیر علوم را به دانشگاهیان سپرد؛ هرچند در مجلس نهم برخورد خوبی با این انتخاب نشد. رؤسای دانشگاه‌ها با توجه به شاخص‌های علمی انتخاب شدند و تا حد قابل دفاعی دانشگاه از فضای گذشته خارج شد و فضای امن‌تری شکل گرفته است. هرچند این پروسه طولانی بوده و تغییرش زمان و انرژی زیادی لازم داشت. اما دولت تلاش کرد شتاب علمی کشور را حفظ کند و همچنان رتبه اول منطقه هستیم. دولت توانسته جلوی کمی‌گرایی و توسعه‌های غیرضروری را بگیرد و کیفیت در دستور کار قرار گرفته است. ۱۵۰ تشکل انجمن‌های اسلامی مجوز گرفته‌اند و فعالیت‌های صنفی دوباره آغاز شده است. دولت موفق شده دانشگاه‌ها را به ریل خودش برگرداند هرچند سرعت این لوکوموتیو کند بوده است اما آرامش را به دانشگاه‌ها بازگردانده است. البته بدنه دانشگاه همچنان انتظارات بیشتری دارد که این آواها بیشتر برداشته شود.

❧ به فضای خاص دانشگاه‌ها اشاره کردید. چرا این فضا در دانشگاه‌ها ایجاد شده بود؟

دو نوع رویکرد نسبت به فعالیت دانشجویی داریم. فعالیت‌های دانشجویی یک فرصت است. چون محیط دانشگاه محیط سیالی است و دانشجویان هر چند سال یک بار عوض می‌شوند. ما با نهادهای حرفه‌ای مواجه نیستیم اما این فعالیت‌ها فرصتی طلایی هستند برای اینکه دانشجو را برای فعالیت‌های مشارکت‌جویانه، استفاده از عقل دسته‌جمعی و فعالیت‌های جمعی آماده کند. اگر این نگاه را تغییر دهیم و این فعالیت‌ها را تهدید بدانیم، تلاش می‌کنیم آن را با نگاه غیرامن محدود کنیم. چون در دولت نهم و دهم این نگاه موردنظر بود، فضای امنیتی هم در دانشگاه شکل گرفته بود.

❧ این فضا بر تولید علم و فضای علمی دانشگاه هم تأثیر گذاشته بود؟

در همه جای دنیا چون دانشگاه محل اجتماع نخبگان است، قواعد متفاوتی برایش در نظر می‌گیرند تا دانشگاهیان با آزادی عمل بیشتری در تولید علم یا طرح پرسش‌های جدی و آینده‌پژوهی به طرح مسئله و حل مسئله بپردازند. این همان آزادی آکادمیک است که مقام معظم رهبری هم بر آن تأکید داشتند. اما وقتی دانشجو برای طرح مسئله و سؤال، از برخوردی که با او می‌شود، نگرانی داشته باشد نمی‌تواند کارکرد اصلی خود را به خوبی انجام دهد و همین بر فعالیت‌های علمی‌اش هم تأثیرگذار است.

❧ چقدر دولت یازدهم توانست این روند را تغییر دهد؟

وقتی رویکرد و نگاه را عوض می‌کنیم، تهدید را تبدیل به فرصت می‌کنیم. به‌این‌ترتیب برخورد مدیریت، حراست و وزارت اطلاعات هم تغییر می‌کند و فضای امنیتی تبدیل به فضای امن می‌شود. این نگاه در دولت یازدهم تغییر کرد و شاهد ازبین‌رفتن فضای امنیتی بودیم.

❧ اما گفته می‌شود فضای دانشگاه‌ها هنوز به قبل از سال ۸۴ بازنگشته است.

ببینید؛ وقتی سیاست‌ها و روش‌های غلط اعمال می‌شود، به‌راحتی تغییر نمی‌کند. به‌خصوص در عرصه‌های فرهنگی، تغییر استراتژی‌های غلط اتخاذشده، زمان طولانی‌تری می‌طلبد. مثل وقتی که زلزله بزرگی رخ می‌دهد، ابتدا باید آواربررداری شود، بعد زیرساخت‌ها آماده و بعد ساخت‌وساز شروع شود. طبیعی است که حرکت نمی‌تواند پرشتاب باشد و نیاز به حرکت منطقی و متناسب با فضا داریم. همین مسئله درباره اتفاقی هم که در دانشگاه‌ها افتاد صادق است و نیازمند حرکت منطقی هستیم.

❧ انتظار ر‌ای دهندگان دکتر روحانی و اصلاح‌طلبان این است که چه رویکردهایی از سوی دولت روحانی در چهار سال دوم به‌ویژه در حوزه دانشگاه دنبال شود؟

جریان بزرگ اجتماعی‌ای پشت سر دکتر روحانی قرار گرفت که بخش عظیمی از آن مربوط به دانشگاهیان، جوانان، اصحاب رسانه و بسیاری از فرهیختگان است. کسانی که در انتخابات نقش فعال و مهمی ایفا کردند. آنان انتظار دارند دولتی که بر سر کار می‌آید، متناسب با پشوانه اجتماعی که به کمک دولت آمده، بتواند نقش خود را در این نهاد ایفا کند و پاسخ‌گوی یاران و حامیان خود باشد. به‌نظر من این سخن به‌معنای سهم‌خواهی نیست بلکه تذکر

**باید ضوابط به رسمیت شناخته شود تا دانشگاه نقش خود را در حل مسائل جامعه ایفا کند. جامعه دانشگاهی نمی‌تواند کانون برج‌عاج‌نشینان باشد. جامعه‌شناسی دانشگاه باید مسائل اجتماع را حل‌وفصل و آسیب‌های اجتماعی را رصد کند. فلسفه و سایر علوم دانشگاه باید موظف به حل مشکلات جامعه باشد.**

و توجه به دولت است. طبیعی است وقتی دولتی مستقر می‌شود با ده‌ها مسئله مواجه شده و ممکن است در این بخش به پشتوانه‌های اجتماعی توجه نکند. این پشتوانه‌های اجتماعی پشتوانه‌های ثابتی نیستند؛ بلکه سیال هستند. با توجه به نوع کارآمدی، توانمندی و بهره‌گیری از نیروها می‌توانند ترغیب و امیدوار یا به‌عکس ناامید و دچار انفعال شوند. اگر بخواهیم موتور این حرکت اجتماعی را که بخش عظیمی از جامعه ما را به خود اختصاص می‌دهد و به‌ویژه اینکه این بخش با جوانان و دانشگاهیان و اصحاب فرهنگ و رسانه پیوند می‌خورد، همچنان در این عرصه امیدوار نگه داریم، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟ اکنون با شعار و سخنرانی نمی‌توان این نیروها را حفظ کرد. آنان منتظرند ببینند تلاشی که در عرصه انتخابات کرده‌اند، در کابینه چگونه تجلی می‌یابد. سخنان دکتر عارف بیشتر تذکر و توجه به این نکته است که باید مراقب این پشتوانه اجتماعی بود و توجه داشت که اگر می‌خواهند همچنان پشتوانه اجتماعی در صحنه بماند و نقش اصلی خود را ایفا کند، باید انتظارات او را به‌صورت منطقی برآورد کرد. این مسئله در حوزه دانشگاه به دلیل پتانسیل‌های آن با حساسیت بیشتری دنبال می‌شود.

❧ دقیقاً این انتظارات به کدام بخش از عملکردها در حوزه دانشگاه بازمی‌گردد؟

دانشگاهیان با مشکلاتی که دولت یازدهم با آن روبه‌رو بود، آشنا هستند. بخشی از آن مربوط به انباشت عظیمی از مسائلی بود که از دولت قبل برای این دولت به ارث رسیده بود و بخش دیگر آن مربوط می‌شد به اینکه هر دولتی که سر کار می‌آید، باید گام‌های مهمی را در ارتباط با توسعه، رفاه، مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه بردارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات ملموس و محسوس دولت که در مناظره‌ها شاهد آن بودیم و تمامی جریان‌ها به آن اذعان دارند مسئله اشتغال است؛ اشتغال برای تحصیل‌کرده‌های ما اهمیت بیشتری هم دارد چون بحث اشتغال با مسائل مهم دیگری پیوند می‌خورد؛ از یک سو به بحث جوانان مرتبط است و از سوی دیگر با مسئله ازدواج و آسیب اجتماعی و امید به آینده پیوند دارد. اشتغال‌زایی از ابرچالش‌هایی است که اگر به شکل

## سیاست



عکس: شفقنا

ملی برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، کل کشور و جامعه ما آسیب می‌بیند. بالاخره این یکی از مسائل مهم جامعه ماست. علاوه بر بحث اشتغال، موضوع معیشت و کاهش فاصله طبقات اجتماعی مطرح است. اگر می‌خواهیم به امنیت برسیم، مسئله فساد در جامعه کاهش پیدا کند و در مسیر طبیعی خود قرار گیرد، قانون‌گرایی جدی و رانت‌خواری به فراموشی سپرده شود، باید به کاهش فاصله طبقاتی به‌عنوان یکی از مسائل مهم و اساسی نگریسته شود. موضوع دیگر اینکه جوانان نیاز دارند دیده شوند و این اتفاق با حرف و گفت‌وگو میسر نمی‌شود؛ بلکه با مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و توانمندکردنشان برای حضور در صحنه اجتماعی امکان‌پذیر است. مسئله مهم دیگر کشور بحث توسعه علمی است. ما بدون توجه ویژه به توسعه علمی و پیوندن آن با توسعه ملی نمی‌توانیم به توسعه پایدار برسیم. در کشور ما حدود ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل، پنج میلیون دانشجو، ۱۵۰ هزار دانشجوی دکترا، صد هزار عضو هیئت‌علمی و ۶۰۰ هزار دانشجوی کارشناسی ارشد وجود دارد. از سوی دیگر حدود ۱۵۰ هزار دانش آموخته ما در سال به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند و این از مسائل بسیار مهم دیگر است. اگر می‌خواهیم به معیشت توجه و مسئله اشتغال را حل کنیم، اگر می‌خواهیم آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهیم و اگر می‌خواهیم دولت را ارتقا دهیم و دولت الکترونیک ایجاد کنیم، راهی وجود ندارد؛ مگر اینکه بر توسعه علمی به شکل واقعی تأکید کنیم. مسئله آخر بحث چالش‌های منطقه‌ای و مشکلاتی است که در نظام بین‌الملل با آن مواجه هستیم و لازم است دولت با کمک دانشگاهیان و فرهیختگان در راستای حل این مسائل حرکت کند. اگر نخبگان، دانشگاهیان و جوانان احساس کنند در عرصه دولت نیروهای اجتماعی آنان حضور دارند، بالطبع نقش فعال‌تری را برای رفع این مسائل ارانه خواهند داد.

❧ دولت‌های سازندگی، اصلاحات و دولت روحانی، چه نگاهی به دانشگاه و وزیر علوم انتخابی داشته‌اند؟

اگر به‌ماهیت دانشگاه در ایران توجه کنیم، ذات و اصالت دانشگاه روشنفکرانه و متکی بر قواعد گفت‌وگو و مبتنی بر تضارب افکار است. مناسبات درون دانشگاه مناسباتی دموکراتیک است. به عبارت بهتر، مناسبات دانشگاه مناسباتی از بالا به پایین نیست. دانشگاه محلی برای تجمع نخبگان است و بیش از اینکه اراده مدیریتی بر توسعه حاکم شود، افراد از مدیریت علمی کشور اقلان می‌شوند. این ویژگی‌ها به جریان فکری خاصی نزدیک است. دانشگاه با مدیریتی پیوند می‌خورد که این نوع اندیشه را به رسمیت بشناسد. در بستر تاریخی غیر از دوران کوتاهی، مدیریت دانشگاه در اختیار اشخاصی بوده که بیشتر با نگاه روشنفکرانه آشنا بودند. نگاهی که اعتقاد داشته باید توسعه علمی را با توسعه ملی پیوند زد و دانشگاه و ویژگی‌های آکادمیک را به رسمیت شناخت. دانشگاه باید مستقل باشد تا نقش ایجابی خود را در توسعه پایدار ایفا کند. این نوع نگاه عمدتاً از سوی جریان اصلاح‌طلب تقویت شده است. اصلاح‌طلبان تنوع فکری را در فعالیت‌های دانشگاهی به رسمیت شناخته و فعالیت‌های دانشجویی را فرصت می‌دانند. طبیعی است در دوران سازندگی، اصلاحات و در دوران کنونی، با توجه به این نکته، برای مدیریت بهتر این محیط باید سراغ افرادی رفت که این شاخص‌ها به رسمیت بشناسند. آقای دکتر فخری‌دانا در جریان انقلاب‌طلبی قرار می‌گیرند، اما ایشان بیش از اینکه یک عنصر سیاسی باشند، یک عنصر علمی هستند. فرجی‌دانا مورد اقبال دانشگاهیان قرار گرفته، رزا ایشان در هشت‌ما مدیریت خود این نوع ضوابط را به رسمیت شناخت. باید ضوابط به رسمیت شناخته شود تا دانشگاه نقش خود را در حل مسائل جامعه ایفا کند. جامعه دانشگاهی نمی‌تواند کانون برج‌عاج‌نشینان باشد. جامعه‌شناسی دانشگاه باید مسائل اجتماع را حل‌وفصل و آسیب‌های اجتماعی را رصد کند. فلسفه و سایر علوم دانشگاه باید موظف به حل مشکلات جامعه باشد. در نتیجه انتخاب وزیر علوم در سه دولت پادشده نشان‌دهنده هوشمندی رؤسای جمهور بود و آنها به این نوع نگاه در دانشگاه توجه داشتند.

❧ به نظر شما چه کارهایی را می‌توان در بخش آکادمیک کشور در چهار سال آینده انجام داد؟

دولت دوازدهم می‌تواند اولویت اول و اصلی خود را مسائل مربوط به فضای علمی و دانشگاهی و آکادمیک کشور قرار دهد. چراکه اگر می‌خواهیم مباحث مهمی از جمله اقتصاد مقاومتی، اقتصاد اشتغال‌زا و... در کشور محقق شود، باید دانشگاه‌ها در صدر قرار بگیرند. لازمه این موضوع هم این است که مکانیسم اداره دانشگاه‌ها مثل گذشته به خود دانشگاه‌ها سپرده شود و محافل آکادمیک در بحث گزینش‌ها و مسائل مالی و برخورد با تخلفات و... خودگردان شوند.

این موضوع سبب می‌شود معضل فضای امنیتی در دانشگاه‌ها نیز حل شود. غیرامنیتی‌شدن دانشگاه‌ها از این جهت اهمیت دارد که موجب افزایش و شکل‌گرفتن فعالیت‌های دانشجویی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و در نتیجه نشاط می‌شود و این موضوع در جلوگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی در دانشگاه‌ها و خروج نخبگان از کشور بسیار مؤثر است. به طور کلی می‌توان گفت آقای روحانی در دولت یازدهم در حوزه دانشگاه‌ها تحولات و تغییرات مؤثر در این حوزه را ریل‌گذاری کرد و حال در دولت دوازدهم باید موتور قطار توسعه و تحول را روشن کند و با سرعت دست به تغییر در عرصه مدیریتی و تبیین استراتژی‌های متناسب با نیازها بزند.

### تعامل روسیه، آمریکا و نقش ایران

نصرت‌الله تاجیک: سیاست خارجی دموکرات‌ها در هشت سال گذشته دست تیم ضدجنگ بود. ترامپ نه در چارچوب دموکرات‌ها می‌گنجد، نه جمهوری‌خواهان. ترامپ می‌گوید هرکس باید هزینه اقداماتی را که از آن منتفع می‌شود تقبل کند. سیاست خارجی محافظه‌کاران بر اساس گسترش سلاح و احتمالاً تخریب اوضاع مناطق دنبال خواهد شد. برخی کارشناسان مسائل آمریکا دوران ترامپ را تا حدی با دوران نیکسون در دهه ۷۰ میلادی در سیاست خارجی شبیه‌سازی می‌کنند. ترامپ شاید سیاست گِیج‌خوردن را با کمی چراغ سبز و تفاهم با روس‌ها دنبال کند. در این میان به دلیل سرمایه‌گذاری سنگین خیلی باید از جهت سیاسی و تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حواسمان جمع باشد که کلاه سرمان نرود در زمان تسلط دموکرات‌ها بر عرصه قدرت ایالات متحده آمریکا. متأسفانه چهره ژئوپلیتیکی خاورمیانه دچار چالش‌هایی جدی شد که دلیل آن عدم شناخت تحولات، فقدان شفافیت، نداشتن ابزار و اهرم‌های مناسب در بعضی کشورها همچون سوریه و تا حدی بی‌عملی حزب دموکرات آمریکا در این عرصه‌ها بود. شعارهای انتخاباتی ترامپ و اشاره او به تعامل و همکاری با روس‌ها در رابطه با ازبین‌بردن داعش و ایجاد ثبات در سوریه نباید باعث شود به اشتباه فکر کنیم آمریکا سوریه را رها خواهد کرد. تعامل دو ابرقدرت جهان در رابطه با مسئله سوریه، شرط ممکن است، اما کافی و نهایی برای حل مسئله سوریه نخواهد بود و نیاز است در این مسعاری قدرت‌های منطقه‌ای نیز حضور داشته باشند. پس باید دید که این تفاهم با درنظرگرفتن نقش و میزان دخالت و سرمایه‌گذاری قدرت‌های منطقه‌ای صورت خواهد گرفت یا قرار است با حذف این سرمایه‌گذاری‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای حاصل شود؟ اگر قرار به حذف قدرت‌های منطقه‌ای باشد و تنها دو قدرت جهانی با هم به تفاهم برسند و منافع قدرت‌های منطقه‌ای را نادیده بگیرند، این به زبان کشور ما خواهد بود.

بنابراین ما از هم‌اکنون باید همه سناریوهای احتمالی را مدنظر داشته باشیم و نه‌تنها خود را برای آنها آماده کنیم، بلکه تلاش کنیم از طریق یک دیپلماسی فعال زمینه سناریوهای زبان‌آور برای منافع و سیاست خارجی ما از بین برود. برخی کارشناسان مسائل آمریکا دوران ترامپ را تا حدی با دوران نیکسون در دهه ۷۰ میلادی در سیاست خارجی شبیه‌سازی می‌کنند. در رابطه با اروپا مسئله کمی حادتر است. ترامپ نمی‌خواهد به میزان گذشته در سیاست خارجه یا دنیای خارج سرمایه‌گذاری کند، به همین خاطر ترامپ می‌گوید هرکس باید هزینه اقداماتی را که از آن منتفع می‌شود تقبل کند. این به این مفهوم است که ترامپ می‌خواهدسرمایه‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را بیشتر روی مردم آمریکا، وضعیت اقتصاد، معیشت و رفاه آنها صورت دهد، بنابراین به نظر می‌آید هم‌اکنون ایجاد یک تصویر روشن درباره ایشان زود باشد. تصور می‌شد تأثیر بوروکراسی بر روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و واقع‌گرایی ترامپ ملموس باشد و مشاوره‌های افراد تیم جدید نظام اداری سازمان‌های اجرایی و برنامه‌ریزی به‌تحقق مسیر عقل‌گرایی و خردورزی ناشی از وجود سیستم در سیاست و حکومت آمریکا کمک کند که تاکنون این‌طور نبوده است. واقع‌گرایی در سیاست داخلی و خارجی آمریکا فارغ از شعارهای ترامپ، فعلاً به چشم نمی‌خورد. این چنین است که نحوه تعامل روس‌ها و آمریکا در سوریه مهم و تعیین‌کننده است.

#### نگاه

### توسعه ایران علیه ماجراجویی ترامپ



**ضیا مصباح**

**دبیر کانون علوم اداری ایران**

لازمه توسعه اقتصادی، ساختار اقتصادی منسجم، آزاد و رقابتی است. در این شرایط، بازار می‌تواند نقش اساسی خود را که تعیین قیمت‌های عادلانه، راهنمایی فعالان اقتصادی در امر سرمایه‌گذاری‌های جدید و به‌تبع آن، تقویت انگیزه تولید بهتر و بیشتر به شکل رقابتی در سطح منطقه است، ایفا کند. تجارت مفید و غیردلالی توأم با پاسخ‌گویی همه دست‌اندرکاران می‌تواند گام‌برداشتن در مسیر منافع ملی را هموار کند. در شرایط اقتصاد دولتی- نفتی فعلی که بخش عظیمی از حجم اقتصاد در اختیار شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی، فرادولتی و... قرار دارد، طبیعتاً بازاری به معنا و مفهوم واقعی نخواهیم داشت. اقتصاد دولتی بزرگ‌ترین بازبرگر در عرصه تولید و تجارت بوده و بخش خصوصی به دلیل کوچکی وزن خود در برابر اقتصاد بخش دولتی و بخش عمومی، قادر به رقابت با بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی و شبه‌دولتی نیست. امروز کلیه منابع درآمدی کشور از منابع نفتی و گاز گرفته تا حدودی مالیات و سایر درآمدها که بودجه کشور وابسته به آن است، در اختیار و تحت کنترل دولت قرار دارد. در این وضعیت تخصیص منابع طبعاً در جهت منافع اقتصادی و سیاسی دولت انجام می‌شود، نه براساس نیازهای واقعی اقتصاد کشور که منافع ملی و مصالح عامه مردم را تأمین کند. نتیجه عدم تخصیص بهینه منابع همین بس که به اعتبار علم و تجربه هرچه منابع نفتی ما در سال‌های قبل از دولت فعلی افزایش یافت، کسر بودجه‌های سالانه نیز افزون‌تر شد و متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، بی‌کاری، کاهش سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، رشد اقتصادی، کارآفرینی، انگیزه خدمت در مسیر تأمین منافع ملی و حفظ ارزش پول ملی، فرار مغزها و دیگر متغیرهای کلان، در جایگاه نامطلوبی قرار گرفت. این متغیرها بیانگر نحوه اداره اقتصاد کشور است. پیش از تحریم‌ها نیز اقتصاد کشور ما از وضعیت مطلوب و جایگاه متناسب با ظرفیت‌های نهان و آشکار طبیعی، فیزیکی و انسانی در رده‌بندی اعتباری اقتصاد جهان برخوردار نبود. هرچند دولت ترامپ درصدد بازگرداندن تحریم‌ها به شکل دیگری است و باید با وحدت رویه و تمرکز قدرت اجرایی در دست دولت پاسخ‌گو با تامل، ثبات، مدیریت و دقت از آن عبور کرد و بر احساسات و هیجانات فائق شد. مصوبه اخیر کنکره و سنا که به نظر کارشناسان نکته جدیدی ندارد، نباید بهانه شود. این ابزار در اختیار و هدف دولت آمریکا است. خوشبختانه دولتمردان فعلی ما با اندیشه ملی‌خواهانه روحانی در دور دوم، به خوبی راه‌های برون‌رفت از وضعیت چ‌خ‌درومریز-کثونی با دولت ماجراجوی ترامپ آمریکا را می‌دانند و عقل‌گرایی را پیشه کرده‌اند. از این نکات انکارناپذیر که بگذریم، خام‌روشی که آفت اقتصاد ایران بود، بیشترین توجه برنامه‌ریزان اقتصادی را که در بودجه‌های سالانه منعکس است، کماکان به خود جلب می‌کند و دست رانت‌جویان را برای هر نوع مصارف سرفرانه آزاد می‌گذارد. درآمدهای نسبتاً تنگت نفسی که منشأ آن فعل و انفعالات درون‌سیستمی نبوده، روند توسعه را از مسیر اصلی خود منحرف می‌کند. هرچند در بخش‌هایی که ارتباط با استراتژی‌های نظامی دارد، پیشرفت‌هایی داشته‌ایم اما در بسیاری از بخش‌های دیگر دچار توقف یا سرفش بوده‌ایم. زمانی که یک اقتصاد در بخش‌های خاصی با توسعه مواجه می‌شود و در بخش‌های مهم دیگر عقب می‌ماند، آن را توسعه نامتوازن می‌گویند، بر این مبنا باید به صراحت گفت در کشور ما «توسعه به‌طور نامتوازن انجام شده» زیرا روند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجرای آن از الزامات علم اقتصاد تبعیت نمی‌کند. در دوران تحریم طبیعتاً وضعیت به سمت بدترشدن اقتصاد تغییر کرد؛ زیرا حصول همان درآمدهای هنگفت نفتی هم با معضل فروش و دریافت وجوه حاصله روبه‌رو و نتیجتاً تنگنای مالی بر دولت مستولی شد و زنجانی‌ها با همه طول و عرض پدید آمدند که نتیجه آن را در تصعیف تجارت خارجی و رکود اقتصادی، تورم، بی‌کاری، کاهش شدید ارزش پول ملی و بسیاری از مصائب اقتصادی و اجتماعی دیگر شاهد بوده‌ایم و کماکان به‌طور دیگری ادامه دارد. به این دلیل، عدم هماهنگی‌ها و وجود نهادهای متعدد در مراجع تصمیم‌گیری، وحدت رویه و پیشرفت کار را با مشکل مواجه کرده است. توافق جامع هسته‌ای و رفع نسبی تحریم‌های اقتصادی و مالی در «دولت عاقل اوباما» که بعد از روی‌کارآمدن «دولت ترامپ» برای دومین بار آن هم با فواصل سه‌ماهه به شکلی ضعیف تأیید می‌شود، آزادسازی سوییت و رفت‌وآمد آزاد نفت‌کش‌ها و آزادی بیمه‌های بین‌المللی در بیمه‌کردن نفت‌کش‌ها و محموله‌های ایران و... را به همراه داشته و منابع مستودشده کشورمان را آن هم نه به طور کامل از تحریم‌ها رها کرده است.

به نظر می‌رسد با بودن دیوان‌سالاری حاکم به روال گذشته، تغییر و تحولی قابل اهمیت و چشمگیر در ساختار اقتصاد دولتی، راتتی و نفتی آن چنان‌که لازمه پیشبرد برنامه‌ها باشد، به وجود نیامده است، رویه تصمیم‌سازی‌ها و اجرای برنامه‌های اقتصادی، رفاهی، اجتماعی به روال گذشته در دور دوم دولت روحانی تا پایان همین ماه شکل می‌گیرد. باید بررل توسعه اقتصادی و رونق واقعی حرکت کند. اگر تیم اقتصادی با در اختیارداشتن امکانات لازم و بدون تشمت و «سهم‌خواهی افراد بانفوذ» آگاهانه با وقوف به راهکارها، دست‌به‌کار شوند، می‌توان به توسعه بیش از پیش ایران امیدوار بود. جامعه انتظار دارد با کم‌شدن فشارهای ناشی از اقتصاد دولتی که روحانی به دفعات در دوران انتخابش به آن می‌پرداخت، طبق سوگندی که برای دومین بار در روز مشروطیت یاد می‌کند، نظام اقتصادی را از تنگناهای موجود آزاد - رقابتی تحول نیابد، امید چندانی به موقعیت‌های ایجادشده در جهت تأمین رفاه عمومی جامعه نمی‌رود. انتظار جامعه صبور و اندیشمند به‌خصوص ۳۰ میلیون جوان تحصیل‌کرده درون کشورمان در صدویازدهمین سالگرد نهضت مشروطیت‌خواهی ایرانیان با حماسه‌ای که در «انتخابات ۲۹ اردیبهشت» آفرید، در حدی است که وضعیت و تنگنایهای موجود از هر لحاظ به‌تدریج رفع شود و آسایش و آرامش، سلامت جسم و روان، شادی، خلاقیت، صداقت، ایمان، انسانیت، دلسوزی، وطن‌خواهی، عزت‌نفس، روحیه خدمت، آینده‌نگری، توان برنامه‌ریزی، رعایت حقوق شهروندی و اصول قانون اساسی در زمینه آزادی‌های مطبوعات، اجتماعات، انتخابات و... محقق شود. برنامه‌ریزی برای دستیابی به «توسعه پایدار» از لحاظ کمی و کیفی می‌تواند نقشی اساسی در رساندن ایران و ایرانی به جایگاهی درخور ایفا کند به این معنا که در صورت توجه واقعی و باورمندانه به خواست جامعه «عدم گرایش به فرار مغزها» یعنی «اصلی‌ترین و گویاترین ملاک توسعه» حاصل‌شدنی است.